

پنجشنبه نهم آذرماه ۱۴۰۲ مشهد مقدس

دانشگاه علوم اسلامی رضوی

ادامه مباحثی از فقه القضا

نشست یازدهم

بسم الله الرحمن الرحيم

الحمد لله رب العالمين و صلى الله على محمد و آله الطاهرين

اللهم عجل لوليک الفرج واحفظه من کل سوء و اجعلنا من خير اعوانه وانصاره

تعارض بینه و سند رسمی

میدانید که ما یکی از امارات قانونی امان، بینه است دو عادل و شهادت دو عادل و از جمله اسناد معتبر، امارات قانونی، سند محضری است گرچه شورای نگهبان ما با سند رسمی گاه مشکل داشته مخصوصا آن جایی که با یکی از امارات دیگر ناسازگار باشد؛ بینه شهادت میدهد اما سند رسمی مطلب دیگری می گوید.

دو عادل می گویند این مسجدوقف است ولی کسی سند رسمی دارد که این ارث داده شده . یک پرونده در قم داشتیم که مسجد وارثان واقف می گفتند این وقف نشده و این هم سند و حتی شنیدم قاضی که حکم به تخلیه مسجد داده بود، گفته بود من خودم چندین سال در این مسجد نماز خوانده بودم .

توضیح یکی از دانشجویان :

.....

استاد: گفته می شود هیچ دلیلی برای خودش موضوع نمی سازد؛ باید از بیرون برای او، موضوع تعریف کنند . اگر روایتمیگوید که : الاشياء كلها على ذلك حتى تقوم به البينةخود این روایت که برای خود مصداق درست نمی کند. آیا این روایت می گوید شهادت دو عادل بینه است؟ آیا می گوید سند رسمی بینه است؟ این را نمی گوید....پس روایت برای خودش موضوع درست نمی کند. ما باید برویم بیرون ببینیم چه چیزهایی مصداق بینه و امر روشن است باید با دلیل بگردیم...فرض کنید می گوید شهادت دو عادل بینه است. می گردیم میگویند که سند رسمی هست یا نیست...که فقها بعضا می گویند نیست و برخی می گویند نیست..برخی وقتها می گویند مصداق بینه هست به شرطی که با یک بینه دیگر تعارض پیدا نکند ..همه این ها احتمال است .

هر چیزی که وجدانا امر روشن باشد می شود مصداق بینه و به قول صاحب جواهر می گوید نیست....میدانید.

بحث ما قبول پیش فرض سند رسمی است. تعارض هم همیشه بین حجتین پیش می آید...بالاخره یکی از این دو کذب است ممکن است بگویید تعارضا تساقطا ممکن هم هست بگویید بینه مقدم است یا

سند مقدم است و عجیب هم هست که هر روز هم می گذرد این مساله بیشتر خودش را نشان می دهد . مثلا طرف ، پدرش هزار متر مربع زمین وقف مسجد کرده است ، ورثه انگیزه نداشتند و الان صد میلیارد قیمت زمین شده است و رثه هم زمین و زمان به هم می دوزند تا سند درست کنند.

این جا، همان بحثی که در جلسات اولیه داشتیم که اگر قائل شویم به سیستم حاکمیت ادله معنوی و وجدان قاضی، خیلی دست قاضی باز می شود؛ چون این ها از موضوعیت می افتد و دست قاضی می افتد... برسد به علم یا اطمینان قاضی... دیگر باید به جمع قرائن پردازد و دیگر در یک ماه فرصت نمی کند به ششصد پرونده پردازد!! اگر قائل به سیستم حاکمیت امارات قانونی ، رسیدیم ، این جا باید ببینیم قانون گذرا ما رتبه بندی کرده یا نکرده است .

شما اگر الان کتب فقهی - حقوقی را نگاه کنید ، گفته می شود «ید» اماره ملکیت است البته بعد بحث تعارض پیش می آید. بسیاری معتقدند ید در رتبه بعد است . ید بعد از سند رسمی است . بعد از بینه و بعد از اقرار است ... فرض کنید یک نفر تاکسی دارد و یک آقای جلویش را می گیرد، و می گوید این تاکسی مال من است تو برای چه سواری؟ همان جا اگر قاضی باشد، سند باشد می گوید متعلق به این شخص است .. یا دو نفر شهادت بدهند . ولی ید اواخر است ... اما ببینید ... برای اولین باری است که گفته می شود و آن این که لیست الید علی وزان واحد ... ید علی وزان واحد نیست برخی وقتهای ید خیلی محکم است . مثلا فرض کنید یک کسی هفته گذشته اثاث کشی کرده آمده به آپارتمان و ید هم دارد و کسی هم با دو شاهد آمد که آپارتمان را خالی کن که متعلق به من است شاهد هست باید خالی کند ... ما از فقها سوال داریم اگر کسی ده سال است در این آپارتمان است و کسی هم که آمده ادعا دارد خودش هم در آپارتمان کناری است ... و ده سال هم بوده که چیزی نمی گفته است. حالا آمده و دعوایشان شده و ناراحتی به هم رساند هاند و دو نفر بدتر از خودش آمده شهادت بدهند ... این جا این سوال پیش نمی آید که تو این مدت ده سال کج بودی؟

فرانسه و آمریکا که نبودی و هر روز هم میدیدی این بنده خدا این جاست چه شد الان سرو کله ات پیدا شد؟

حداقل این جا قاضی ماباید متوقف شود می خواهیم بگویم این جا بحث ما ربطی به واکاوی و پیشینه کاوی و پسینه کاوی ندارد .

ما در ید همین حرف را داریم.

قاعده ید را ما نمی توانیم یک کاسه کنیم.

ید طولانی مدت ید کوتاه مدت ... ممکن است فرق کند یا کسی که مقابل ید می آید و ادعا می کند، او مثلا در منطقه بوده باید دید اطلاع داشته یا نداشته ... حالا کسی ممکن است اول انقلاب فرار کرده و رفته

شما می خواهید به کسی بگویید تو اثاث ها را خالی کن .. میگوید من ید دارم میگویم یدت اعتبار ندارد.

سوال آیا ما میتوانیم ید را به درازمدت و کوتاه مدت تقسیم کنیم یا نه ...؟ شما ممکن است بگویید
اقایان نظرشان به ید نبوده است ما باید از اطلاق استفاده کنیم ... این اطلاق گیری مربوط به کجا
است؟

معمولا هم حرف جدیدی که زده می شود، رگه های ان درکلمات دیده می شود. منتها واقعا مستقر روی
ان نیستند... برخی وقتها یک مطلبی رگه های آن هست، ولی گذشته ها روی آن مستقر نشده اند، دیگری
می آید و این حرفها را ریشه دار می کند، مستقرش میکند و به قول دولتی ها برای دولتی ها ردیف بودجه
درست میکند.

ما در بحث لغت یک مبنا داریم و یک انگیزه ... یک معنا داریم و یک داعی ... هیچوقت نباید انگیزه را
با معنا اشتباه بگیرید. این را حداقل دو بار تا حالا خوانده اید.

اگر مغنی را خوانده باشید، ان جا ابن هشام می گوید فصل قد تخرجت همزة عن الاستفهام الحقيقي
... همزه گاه از استفهام خارج می شود. فطرده لثمانية معانی ... و برای هشت معنا می آید ...

احدها التسوية الثانی: الاستفهام التوبيخي ... تحکم .. تعجب .. تعجيز ... آن جا ما حاشیه زدیم در
درس هم من آن جا گفته ام آیا این ها معانی همزه است یا انگیزه است همه این ها استفهام است منتها
انگیزه استفهام فرق می کند، گاهی برای طلب است و گاه برای اقرار است (مثل دادگاه) امر هم همین
طور ... این یک بابی است اگر کتاب سلسبیل را هم دیده باشید ما باید فرق بگذاریم بین یک معنا ، و
داعی و مورد دیگر مورد استعمال است که این بحث دیگری است ... اساتید هم بعضا این ها را به هم
خمیر می کنند، ابن هشام خیلی استوانه است ، در باب او یا قد ... روی اینها مستقر نیست در بابهای
دیگر این داعی را معنا می گیرد. فرق بین ما و ابن هشام این است که او خلجان به ذهنش داشته ولی
مستقر نبوده است ... لذا در معنا گاه نزدیک می شود و باز دوباره فاصله میگیرد . همیشه سعی کنید که
در بحثهایتان روی مطلب مستقر شوید تا بعد جلو بروید . گاه نزدیک به صحیح می شود ولی بعد
بلافاصله فاصله می گیرد. ..